

آدرس های کنگره:

kongere.hekmatist@gmail.com

لطفا برای مسائل کنگره فقط با این ای میل تماس بگیرید

تلفن: 00491738725185

ضمیمه کمونیست

رژیم تدارک کنگره اول حزب

کنگره ۳

۲ مهر ماه ۱۳۸۵ - ۲۴ سپتامبر ۲۰۰۶

کوردیبر: کورش مدرسی kongere.hekmatist@gmail.com

شماره حساب های ویژه کنگره اول

بریتانیا

NatWest Bank

Name: Mr. Omid Behnam

Account Number: 83827331

Sort Code: 50- 10- 05

سوئد

Postgiro

Name: Integration och kultur föreningen för iranier i Sverige

No: 377639-0

آلمان

Koelner Bank

Nasrolla Nandinian

Kontonummer 528734006

BLZ 37160087

توضیحی در مورد تشابه اسمی نمایندگان کنگره

در مواردی اسامی مستعار نمایندگان کنگره از داخل ایران، که در نشریه کنگره ۲ انتشار پیدا کرده است با اسامی افراد واقعی تشابه پیدا کرده است. لازم است به اطلاع برسانیم که این مسئله صرفاً تشابه اسمی میباشد مگر این موضوع توسط ما اعلام شود.

کمیته کل کشور حزب حکمتیست

۱۹ سپتامبر ۲۰۰۶

توضیح در مورد

تعداد لازم برای امضای قطعنامه ها و قرار های پیشنهادی به کنگره

همانطور که میدانید برای پیشنهاد قرار گرفتن یک بحث (که باید به پیشنهاد یک قطعنامه مرکب، قطعنامه ساده و یا قرار همراه باشد) به حداقلی از حمایت نمایندگان نیازمند است. قطعنامه های مرکب به حمایت ۷ نماینده، قطعنامه های ساده به حمایت ۳ نماینده و قرار ها به حمایت دو نماینده احتیاج دارند (رجوع کنید به نگره شماره ۱).

برای تسهیل کار ما شرط انتشار قطعنامه های مرکب در نشریه کنگره را کمتر میگیریم. قطعنامه های مرکب با امضای ۴ نفر را منتشر میکنیم. روشن است که شرط قرار گرفتن این قطعنامه ها در لیست دستور پیشنهادی به کنگره این است که تا شماره آخرین فرصت اعلام شده در همین شماره نشریه تعداد حامیان آن به هفت نفر برسد.

قابل توجه علاقمندان به شرکت در کنگره

به دلیل گنجایش محدود سالن کنگره و امکانات زیستی (محل خواب و غذا) تعداد محدودی جا برای شرکت میهمانان وجود دارد. تدارکات کنگره بر اساس تقدم در ثبت نام این امکانات را توزیع کند. اگر میخواهید از امکان شرکت در کنگره مطمئن شوید لطفاً سریعتر ثبت نام کنید. برای ثبت نام با تشکیلات محلی حزب و ای با شماره تلفن و یا ای میل ویژه کنگره تماس بگیرید.

بیانه پیشنهادی به کنگره

پیشنهاد دهندگان: اعظم کم گویان ثریا شهابی، آذر مدرسی ملکه عزتی ، پری زارع، لادن داور، مجید حسینی، نسان نودینیان، دیانا نامی، ناهید ریاضی

جنبش رهایی زن در ایران

وظایف حکمتیست ها

بنیاد در مورد فرودستی زن

تبعیض علیه زنان یک برخوردار نیستند و از اما در کشورهای از نظر مشخصه مهم دنیای امروز همان حداقل حقوق و اقتصادی عقب افتاده تر، است. زنان در اغلب نقاط آزادیهایی که مردان از آن در جوامعی که نفوذ مذهب جهان از حقوق برابر با مرد برخوردارند، محروم اند. صفحه ۲

قطعنامه پیشنهادی

پیشنهاد دهندگان: آذر مدرسی، خالد حاج محمدی، بهرام مدرسی، محمود قزوینی

در باره انقلاب و وظایف کمونیستها

این قطعنامه برای قرار گرفتن در لیست دستور پیشنهادی به کنگره احتیاج به ۳ نماینده حمایت کننده از طرح آن دارد. لطفاً پیشنهاد دهندگان در این مورد اقدام کنند.

نامه شماره ۹

به همه نمایندگان کنگره
آخرین موعد دریافت
قرار، قطعنامه، یا
اصلاحیه به قرار و
قطعنامه های رسیده

صفحه ۴

نامه شماره ۸

به همه نمایندگان کنگره
سمینار ها و جلسات
جانبی کنگره

صفحه ۴

مقدمه:

قدرتمند اجتماعی و سیاسی، استقرار حکومت کارگری یعنی جمهوری - حکمتیست برای سازماندهی انقلاب کمونیستی، تبدیل طبقه کارگر به یک نیروی

صفحه ۳

بجنبش رهایی زن ...

و سنتهای کهنه بر نظام سیاسی و اداری و فرهنگی جامعه گسترده تر است، فرودستی زن در آشکارترین و زمخت ترین شکل، زندگی صدها میلیون زن را در چنگال خود میفشارد.

ستمکشی و فرودستی زن اختراع سرمایه داری نیست. اما سرمایه داری این میراث نفرت انگیز تاریخ را تکامل بخشیده و به مبنایی برای تداوم مناسبات اقتصادی و اجتماعی معاصر بدل کرده است. ریشه نابرابری و بیحقوقی امروز زن در جامعه سرمایه داری صنعتی و مدرن امروز نهفته است. نظامی که به تقسیم جنسی انسانها در قلمرو تولید به عنوان یک عامل مهم اقتصادی و سیاسی در تضمین سودآوری سرمایه مینگرد. ستمکشی زن، همچون تبعیض نژادی و ملی و مذهبی، برای سرمایه داری امکانی برای ایجاد شکاف و رقابت درونی بر مبنای جنسیت، در اردوی مردم کارکن است. شکاف و رقابت در صفوف مردم کارکن یکی از ارکان ارزان تر کردن دائمی، کار کارگر است. شکل دادن و تداوم بخشیدن به وجود بخش های محروم تر در خود طبقه کارگر، مخدوش کردن خودآگاهی انسانی و طبقاتی بشریت کارگر، و دوام بخشیدن به آراء و افکار و تعصبات کهنه و پوسیده و فلج کننده، برای سرمایه داری جز از طریق تبعیض به خاطر جنسیت، ملیت، مذهب و نژاد و ... ممکن نیست.

موقعیت زن در جوامع اسلام زده - ایران

این واقعیت که رهایی زن شاخص رهایی جامعه است بیش از هرکجا در محیط های اسلام زده در سراسر جهان و در جامعه اسلام زده ایران صادق است. در جوامعی که حاکمیت اسلام

و اعمال یک آپارتاید جنسی بر سرتاپای آن، روبنای ارتجاعی ترین شکل حاکمیت سرمایه است، حرمت زن به نحو انکارناپذیری به حرمت انسان در آن جامعه گره خورده است.

در ایران، نیمی از مردم، زنان، به خاطر جنسیت به موقعیت نازل تر از بردگان قرون وسطی تنزل داده شده اند. این واقعیت به یک جنبش مقاومت و مبارزه میلیونی زنان برای برخورداری از حداقل حقوق انسانی خود، شکل داده است. زنان از بدو حاکمیت جمهوری اسلامی بیش از ربع قرن است که در جنگ و جدل هر روزه با حکومت اند. در ایران رهایی زن و برخورداری او از کلیه نعمات مادی و معنوی جامعه، به مهمترین معیار بهبود شرایط زندگی همه مردم و رهایی جامعه تبدیل شده است.

رهایی زن و برخورداری او از آزادی و برابری، آمال و آرزوی اکثریت مردم ایران است. شرایط و ملزومات این رهایی اما بیش از هرچیز به حاکمیت ارتجاع اسلامی و عدم دسترسی مردم به دستاورهای بشری متمدن در زمینه برابری زن و مرد، گره خورده است. بنحوی که هر نوع بهبود جدی در وضعیت زنان پایه های حکومت اسلامی در ایران را میلرزاند. جنبش احقاق حقوق زنان در ایران، از ارکان جنبش سرنگونی حکومت اسلامی و در صف مقدم آن است.

رهایی زنان در ایران، کار جنبش آزادی و برابری است. رهایی زن کار جنبش و صفی است که رادیکال ترین و ماکزیمالیست ترین مطالبات را بر پرچم خود دارد و سازش ناپذیرترین مبارزه را با جمهوری اسلامی و برای برقراری یک جامعه سکولار و آزاد سازمان میدهد. احقاق

حقوق انسانی زنان کار جنبش عدالتخواهانه طبقه کارگر، کمونیست ها، و جنبش ضداسلامی در ایران است.

رهایی زن نمی تواند کار ناسیونالیستها، قوم پرستان و جریان ملی و مذهبی و گرایشات سازشکار درون جنبش حقوق زنان باشد. آزادی و برابری زن و مرد نمی تواند امر جنبشی باشد که حقوق ابتدایی زنان را به مذهب و قومیت و جنسیت و منافع طبقاتی طبقات حاکم می فروشد. این جریانات نه خواهان کوتاه کردن دست اسلام و دین از زندگی زنان هستند و نه علیه مردسالاری لجام گسیخته حاکم از حقوق زنان دفاع می کنند.

نیروهایی که مذهب رسمی میخواهند، نیروهایی که سکولاریسم نیم بندشان در مقابل مطالبات رادیکال و ماکزیمالیست زنان و در مقابل حمله انتقادی به زن ستیزی اسلامی به بهانه های مختلف سد میبندد، نمی توانند مبشر رهایی زن باشند. نیروهایی که مطالبات رادیکال زنان را [زیاده روی] و [افراط] میخوانند، نیروهایی که حجاب این سمبل آپارتاید جنسی را موضوعی [کم اهمیت] و [قابل گذشت] میدانند، نیروهایی که حجاب از سرزن بر میدارند و بر تن آنها لباس قومی و مذهبی و ملی میپوشانند، نه در صف جنبش مترقی احقاق حقوق زن، که پیسفراولان توجیه بی حقوقی زن اند.

تنها چپ جامعه و کمونیسم است که با مطالبات ماکسیمالیستی، رادیکال و غیرقابل نفوذ در دفاع از حقوق انسانی زنان، در کنار زنان قرار میگیرند. کمونیسم و طبقه کارگر در ایران نیرویی است که میتواند توده میلیونی زنان را صرف نظر از زبان، رنگ، مذهب، ایدئولوژی، شغل، تعلق طبقاتی و موقعیت

اجتماعی حول مطالبات روشن و انسانی خود جمع کند و در پیشاپیش یک جدال عظیم اجتماعی برای رهایی زنان قرار بگیرد. حزب حکمتیست به این صف و این جنبش تعلق دارد و تلاش میکند که پیشاپیش این صف، سرنگونی جمهوری اسلامی را با احقاق حقوق کامل زنان، توأم کند.

حزب حکمتیست معتقد است که:

- یکی از مهمترین ابزار به قدرت رسیدن جمهوری اسلامی در سیر سرکوب انقلاب ۵۷ و پایه ریزی حاکمیت اش، تعرض به ازادیهای فردی و اجتماعی مردم و در راس آن تعرض به ابتدایی ترین حقوق انسانی زنان بود. جمهوری اسلامی تنها با حاکم کردن قوانین اسلامی بر تمام جوانب زندگی فردی و اجتماعی مردم، برقراری حجاب اجباری، جداسازی زن و مرد، تحکیم یک سیستم مبتی بر آپارتاید جنسی، و قانونیت و رسمیت بخشیدن به نازل ترین موقعیت ممکن برای زنان، توانست شکل بگیرد و ربع قرن حکومت کند.
- جمهوری اسلامی اما از بدو به قدرت رسیدن با جامعه ای روبرو بوده است که در مقابل اسلامیزه کردن جامعه و تبعیض برزنان، سرسختانه مقاومت کرده است.
- ایران پس از انقلاب ۵۷ شاهد مبارزه و مقاومت زنان و جنبش رهایی آنان بعنوان یک واقعیت قدرتمند سیاسی و یک جنبش تحول بخش زنانه بوده است. جنبشی که جمهوری اسلامی و قوانین و احکام اسلامی را روزمره به مصادف طلبیده است. میلیونها زن و جوان دختر و پسر در ایران در صف این جنبش، دو دهه تنور مبارزه علیه زن ستیزی حکومت اسلامی را گرم نگاه داشته اند.
- موقعبیت فرودست زن در ایران به حیات جمهوری اسلامی گره خورده است. روزی که آپارتاید جنسی برقرار نباشد، حجاب و تبعیض جنسی و کلیه قوانین اسلامی لغو شده باشد، روزیست که جمهوری اسلامی سرنگون شده است.
- سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی، سرنگونی که علاوه بر خلاصی از حاکمیت اسلام، مبشر آزادی و برابری زن و مرد و تامین و تضمین کننده رهایی زن باشد، اما کار کمونیست ها، کار جنبش طبقه کارگر و حکمتیست ها است.
- این سرنگونی و انقلاب زنانه بدون سازمانیایی وسیع، انسجام صفوف مبارزه زنان، تشکل یابی و متحد شدن گرد پرچم یک حزب سیاسی کمونیستی قدرتمند که میخواهد و میتواند جنبش رهایی زن در ایران را به پیروزی برساند، ممکن نیست.
- مبارزه سازمانیافته، بی وقفه و رادیکال برای رهایی زنان یک رکن مهم خلاصی مردم از هیولای حکومت اسلامی ایران است. حزب حکمتیست خود را پیشتاز این مبارزه میدانند و تلاش میکنند که با متحد و متشکل کردن میلیونی



• اعلام فوری
برابری کامل حقوقی زن و مرد در تمام شئون زندگی خصوصی، اجتماعی، خانوادگی، سیاسی و فرهنگی!

• مبارزه ای بیوقفه فکری، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی علیه کلیه وجوه حاکمیت و نفوذ مردسالاری و فرهنگ مردسالار!

• ممنوعیت هرگونه دخالت در زندگی شخصی و اجتماعی و فرهنگی زنان توسط هرکس، از جانب دولت یا نهادهای اجتماعی و

زنان و مردم آزادیخواه در صفوف خود، بلافاصله موارد زیر را متحقق کند:

• جدایی مذهب از دولت و کوتاه کردن دست اسلام و دین، از زندگی زنان!

• لغو فوری حجاب و آپارتاید جنسی و تضمین آزادی بدون قید و شرط پوشش و معاشرت آزادانه زن و مرد!

• لغو کلیه قوانین ضد زن در محیط های کار، خانواده، جامعه و در زندگی سیاسی مردم!

سیاسی و فرهنگی، یا هر مقام مذهبی و خانوادگی. اعضا خانواده!

• ممنوعیت هر نوع خشونت جسمی، روحی و روانی نسبت به زنان توسط هر کس، هر مقام مذهبی، دولتی و خانوادگی.

• تامین اجتماعی زنان و همه مردم، تامین بالاترین سطح رفاه و آسایش ممکن، برای همه.

• پرداخت بیمه بیکاری مکفی و با استاندارد بالا به زنان و همه کسانی که آماده به کار هستند، مستقل از

• فراهم کردن امکان تحصیل و آموزش حرفه ای وسیع زنان و رفع موانع آن.

حزب حکمتیست همه زنان و مردان آزادیخواه و برابری طلب را به پیوستن به صفوف خود برای مبارزه در راه تحقق مطالبات انسانی زنان و محو کامل آپارتاید جنسی و زن ستیزی در ایران و تامین آزادی و برابری زن و مرد، فرامی خواند.

تحمیلتر. ما برای ایجاد و تقویت تشکل های توده ای در میان کارگران، زنان، جوانان، دانشجویان و اقشار مختلف مردم در دفاع از آزادی و رفاه و تامین خواسته های انسانی آنها تلاش خواهیم کرد.

۵- شکل دادن به صف مبارزه اجتماعی مستقل مردم و امکان مقابله مستقل آنها علیه تعرضات احتمالی نظامی دولت آمریکا و متحدینش به زندگی مردم.

۶- کمونیسم در کردستان بیش از هر جای دیگری سنت اجتماعی و نفوذ توده ای قوی و رهبر توده ای و اجتماعی خود را دارد.

کمونیسم به بخشی از تاریخ این جامعه به عنوان سمبل آزادی و برابری انسانها گره خورده است کمونیسمی که امروز مستقلا به حکمتیست ها وصل است. تبدیل کردستان به دروازه قدرت کمونیست ها برای کل ایران.

۷- سازمان دادن یک مبارزه ای اجتماعی علیه فقر و فلاکت و کمک به عرض اندام جنبش کارگری بعنوان یک جنبش اعتراض اجتماعی با تشکل و رهبران شناخته شده خود در سطح جامعه.

تلاش برای تامین یک سیاست و رهبری رادیکال،

۲- پیروزی جنبش سرنگونی از نظر ما متحقق شدن منشور سرنگونی حزب حکمتیست است. منشور سرنگونی مانیفست این جنبش است. با اجرای مفاد منشور سرنگونی، آزادی، امنیت اقتصادی و اجتماعی برای وسیعترین

دخالت مردم در تعیین نظام حکومتی فراهم می آید و طبقه کارگر و کمونیستها در قدرتمندترین شرایط برای تحقق انقلاب سوسیالیستی قرار میگیرند.

۳- در مقابل خطر سناریوی سیاه و عراقیزه کردن جامعه ایران، برای کوتاه کردن دست باندهای قومی و مذهبی از زندگی مردم و دفاع از امنیت

مردم حزب حکمتیست تشکیل گارد آزادی را در دستور کار خود قرار داده است. سازمان دادن کنترل محلات و تشکیل واحد های گارد آزادی تنها امکان جلوگیری از تعرض اپوزیسیون مسلح و دارودسته های قومی و مذهبی به مردم و تشکلهای توده ای است.

۴- تلاش برای ایجاد تشکل های کارگری و توده ای بعنوان ظرف اتحاد و ابراز وجود توده های مردم در ابعاد اجتماعی، جهت کسب خواسته های خود و تامین زندگی قبل

جمهوری اسلامی است. به این معنی کشمکش سیاسی در جامعه تبدیل به کشمکش میان چپ و راست سرنگونی شده است.

جمهوری اسلامی است. به این معنی کشمکش سیاسی در جامعه تبدیل به کشمکش میان چپ و راست سرنگونی شده است.

جنبش اصلاحات جامعه یک فاز سیاسی را پشت سر گذاشت و راهی جز سرنگونی رژیم اسلامی در مقابل مردم باقی نماند. در این دوره است که سرنگونی طلبی به بستراضی اعتراض علیه جمهوری اسلامی تبدیل شده. بطوری که بخشی از اپوزیسیون درونی رژیم و اپوزیسیون اصلاح طلب هم به صف جنبش سرنگونی پیوست.

- با شکست دو خرداد و یکدست شده رژیم امروز دیگر جمهوری اسلامی بعنوان چکیده ارتجاع فشرده اسلامی در مقابل مردم قرار گرفته است.

- حاکمیت ارتجاع فشرده، تناقض بینادی رژیم با آزادی، سعادت، خوشبختی و آسایش مردم در کنار بحران اقتصادی رژیم و ناتوانی آن از حل این بحران و مشکل معیشت و خطر فلاکت جمهوری اسلامی را در مقابل خطر انفجارات عظیم اجتماعی بر سر مسئله معیشت قرار داده است.

۳- امروز بیش از هر زمانی در سطح جامعه روشن شده است که انقلاب همه باهم در ایران محال است. رقابت و کشمکش اصلی میان چپ و راست جامعه بر سر نوع و چگونگی سرنگونی

در باره انقلاب و ...

تحقق این استراتژی درگرو سرنگونی جمهوری اسلامی و تبدیل این سرنگونی به سکوی پرشی برای به قدرت رسیدن طبقه کارگر و استقرار جمهوری سوسیالیستی است.

در شرایط سیاسی امروز ایران و با وجود حاکمیت جمهوری اسلامی متحقق کردن این استراتژی ویژگی هایی بخود میگیرند.

الف: اوضاع سیاسی و صف بندی نیروهای سیاسی

۱- بحران اقتصادی و سیاسی جمهوری اسلامی، تناقض بنیادی آن با مردم در همه ابعاد زندگی اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، نامتعارف بودن این رژیم برای سرمایه جهانی از بنیادی ترین خصوصیات این رژیم است. این بحران بحرانی هویتی است که فقط با سرنگونی جمهوری اسلامی قابل حل است.

۲- تلاش برای تعدیل رژیم، اصلاح در چارچوب جمهوری اسلامی و جایگزینی آن بدون سرنگونی با شکست دو خرداد در ابعاد اجتماعی شکست خورد. با شکست

تامین رهبری این مبارزات توسط رهبران کمونیست و زیر پرچم جنبش انقلابی طبقه کارگر نه تنها در مقابل جمهوری اسلامی، بلکه در تمایز با تمام بازیگران قومی، مذهبی و سیاسی سناریو سیاه.

۸- تامین هژمونی فکری حکمتیسم در چپ و جامعه، دفاع از مارکسیسم و حکمتیسم و متمایز کردن مجدد کمونیسم در مقابل ناسیونالیسم چپ. تبدیل حکمتیسم به بستر اصلی کمونیسم انقلابی و رادیکال.

حزب حکمتیست باید شرایطی را فراهم آورد که هر کس در ایران میخواهد نقش رهبری کمونیستی را ایفا کند خود را مجدداً با کمونیسم ما [] کمونیسم مارکس تداومی کند و خودش را نیازمند پیوستن به ما و به این حزب ببیند.

۹- با توجه به اوضاع سیاسی خطیر امروز در ایران بدون تبدیل شدن حزب به یک حزب سیاسی و رهبر مردم، بدون تامین رهبری اجتماعی و توده ای کمونیستی، بدون داشتن ساختمان محکم حزبی با بالاترین درجه از اتحاد، انسجام، انضباط و استانداردهای فعالیت حزبی در همه سطوح و بالاخره بدون داشتن یک رهبری سیاسی با تحرک سریع و به موقع جهت دخالت مستقیم در روند اوضاع سیاسی ایفای این نقش تاریخی ممکن نیست.

حزب حکمتیست باید در مصافهای آتی جامعه، تامین هژمونی چپ بر جنبش سرنگونی و برای کسب قدرت سیاسی بعنوان رهبر انقلاب مردم ابراز وجود کند و پا به میدان بگذارد.

۱۰- کنگره اول حزب حکمتیست عمیقاً معتقد است علیرغم همه دشواری و موانع وظیفه سنگینی که امروز بر سر راه حزب ما و جنبش کمونیسم کارگری در ایفای این نقش تاریخی وجود دارد، حزب و جنبش ما میتواند این نقش و وظیفه تاریخی را با سربلندی انجام دهد.

۱۱- کنگره اول حزب حکمتیست توجه همه فعالین کمونیست را به ابعاد عظیم وظایفی که در این دوره تاریخی بر دوش دارند جلب میکند و آنها را به مبارزه ای پرشور، متحد، اجتماعی و حزبی و پیوستن به حزب حکمتیست برای پیروزی کمونیسم فرا میخواند.

نامه شماره ۸

به همه نمایندگان کنگره اول

سمینارها و جلسات جانبی کنگره

رفقا

برای استفاده بهتر از وقت کوتاهی که در کنگره داریم امکان برگزاری تعدادی سمینار و یا کارگاه توسط نمایندگان متقاضی را مورد بررسی قرار خواهیم داد.

اگر مایل به برگزاری سمینار، سخنرانی یا کارگاهی هستید لطفاً هرچه زودتر با من تماس بگیرید.

ما با توجه به محدودیت زمانی و مکانی امکانات را میان متقاضیان تقسیم کنیم. اولویت با سمینارهایی است که تعداد بیشتری از نمایندگان درخواست کنند و یا به تشخیص کمیته رهبری اهمیت بیشتری داشته باشد.

آخرین تاریخ تقاضای سمینار، جلسه و کارگاه اول اکتبر خواهد بود.

با تشکر

کوروش مدرسی

۱۸ سپتامبر ۲۰۰۶

نامه شماره ۹

به همه نمایندگان کنگره اول

آخرین موعد دریافت قرار، قطعنامه، یا اصلاحیه به قرار و قطعنامه های رسیده

رفقا

با توجه به وقت مورد نیاز برای انتشار اسناد کنگره، امکان مطالعه آنها توسط نمایندگان و بالاخره فرصت کافی برای تکثیر توسط تدارکات کنگره، آخرین موعد برای دریافت قرار، قطعنامه و یا اصلاحیه بر قرار و قطعنامه پیشنهاد شده ۱۰ روز قبل از کنگره، یعنی ۱۱ اکتبر (۱۹ مهر) است. لطفاً اسنادتان را هرچه سریعتر بدست من برسانید.

تاریخ انتشار نشریه کنگره به قرار زیر خواهد بود:

شماره ۳ - دوشنبه ۲۵ سپتامبر - آخرین فرصت برای رساندن اسناد ۲۴ سپتامبر

شماره ۴ - دوشنبه ۲ اکتبر - آخرین فرصت برای رساندن اسناد ۱۱ اکتبر

شماره ۵ - دوشنبه ۱۹ اکتبر آخرین فرصت برای رساندن اسناد ۸ اکتبر

شماره ۶ (آخرین شماره) چهارشنبه ۱۱ اکتبر آخرین فرصت برای رساندن اسناد ۱۱ اکتبر

توجه داشته باشید که هیچ دستور، قطعنامه، قرار و یا اصلاحیه ای خارج از آنچه که از پیش بدست نمایندگان رسیده باشد در دستور قرار نمیگیرد. دستور جلسه کنگره از میان اسنادی که تا شماره ۶ اکتبر منتشر شده انتخاب میشوند. لطفاً بار دیگر به مقررات کنگره که در کنگره شماره ۱ و ۲ آمده است مراجعه کنید.

با تشکر

کوروش مدرسی

۱۸ سپتامبر ۲۰۰۶